



Received: 03/05/2024

Accepted: 26/06/2024

Evaluation of Part of the Old Urban Fabric and Identification of the Most Compatible Area for Historical and Cultural Uses (Case Study: Central Area of Hamedan)

Reza Abrar Khorram

Ph.D. Student, Department of Geography and Urban Planning, Islamic Azad University of Yadegar-e Imam-Shahr Ray Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ali Reza Estelagi¹

Professor, Department of Geography and Rural Planning, Islamic Azad University of Yadegar-e Imam-Shahr Ray Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Tahmineh Daniali

Assistant Professor, Department of Geography and Rural Planning, Islamic Azad University of Yadegar-e Imam-Shahr Ray Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

A fundamental topic in the science of geography is defining the functional boundaries of a city in spatial and locational dimensions to ensure proper management at regional and district levels. Determining the legal boundaries of a city and its various areas and districts involves considering various natural, social, cultural, and urban service factors within a geographical scope of activities. Consequently, large cities are often divided into different areas under separate managements supervised by the central municipality, providing activities and services to citizens based on this structure. In the urban management system of Iran, the historical fabric is determined based on requests from the Cultural Heritage Organization to the Supreme Council of Urban Planning and Architecture, which examines the areas that formed before the year 1300 SH (1921 AD). However, this approach, focusing solely on the preservation and protection of eligible buildings and imposing legal restrictions on urban expansion, often conflicts with urban management and has led to the destruction of many historical and cultural buildings. Thus, it cannot be the sole criterion for defining the central area of the city. In the process of future urban development, this issue has encountered numerous practical problems in the country. Therefore, the researcher formed a Delphi-based aggregation group consisting of 45 experts and specialists in geography, cultural activities, and urban planning. Based on the results of meetings with this group, a ten-point index was developed to define the central area, and six proposed options from this group were suggested as suitable models for determining the city's central area. Finally, the researcher employed a hierarchical approach inspired by the AHP (Analytic Hierarchy Process) method to compare each proposed model for the central area in the old urban fabric, considering their compatibility with the functionality of cultural and historical uses. The most compatible model with the performance of historical and cultural uses was identified.

Key words: Texture, Old Texture, Central Area, Cultural and Historical Fabric, Hamedan

1. Corresponding Author: Al.estelagi@yahoo.com



ارزیابی قسمتی از عرصه های بافت قدیم و معرفی مناسب ترین محدوده سازگار با کاربری های تاریخی فرهنگی (مطالعه موردی: منطقه مرکزی شهر همدان)

رضا ابرارخرم

دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علی رضا استلاجی^۱

استاد، گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تهمینه دانیالی

استادیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

یکی از موضوعات اساسی در علم جغرافیا، تعیین حدودی از عملکردی شهر در ابعاد فضایی و مکانی در مدیریت حوزه ها و مناطق مختلف شهر به هدف مدیریت مناسب در ابعاد منطقه ای و ناحیه ای است. در تعیین حدود محدوده قانونی شهر و دیگر مناطق و نواحی همواره از عوامل مختلف طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و خدمات شهری در یک گستره جغرافیایی فعالیت ها استفاده شده است و از همین جهت غالباً شهرهای بزرگ به مناطق مختلف با مدیریتی مجزا تحت نظارت شهرداری مرکزی تقسیم و بر اساس آن فعالیت ها و خدمات در آن به شهروندان ارائه می گردد در نظام مدیریت شهری ایران بافت تاریخی بر اساس درخواست بررسی سازمان میراث فرهنگی از شورای عالی شهرسازی و معماری و بررسی این شورای، آن بخش از بافت های شهری را شامل می شود که قبل از سال ۱۳۰۰ ه.ش شکل گرفته است اما این موضوع با توجه به نگرش صرف سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور به حفاظت و صیانت از ابنیه واجد شرایط و پهنه ای کردن محدودیت های قانونی این سازمان در گسترش و توسعه شهر که با مدیریت شهری در تعارض بسیار جدی است و تغییرات اساسی در این محدوده که بسیاری از ابنیه های تاریخی و فرهنگی را از بین برده است نمی تواند ملاک تعیین محدوده مرکزی شهر قرار گیرد. در فرایند توسعه آتی شهر این موضوع مهم در عمل در کشور با مشکلات عدیده ای روبرو شده است و لذا محقق یک گروه تجمیع مبتنی بر روش دلفی متشکل از ۴۵ نفر از افراد کارشناس و متخصص در حوزه جغرافیایی، فعالان فرهنگی و متخصصان برنامه ریزی شهری را تشکیل داده است و بر اساس نتایج نشست با این گروه یک شاخص دهگانه در تعیین حدود منطقه مرکزی ارائه نموده است و شش گزینه پیشنهادی منتج از این گروه را به عنوان الگوهایی مناسبی برای تعیین محدوده مرکزی شهر پیشنهاد می نماید. در نهایت محقق در نگاهی سلسله مراتبی با مقایسه دو به دو با الهام از روش AHP هر یک از الگوهای معرفی شده برای منطقه مرکزی شهر در بافت قدیم را با سازگاری کاربری با عملکردی کاربری های فرهنگی و تاریخی شهر مقایسه کرده است و نهایت الگوی برتر در سازگاری با نحوه عملکرد کاربری های تاریخی و فرهنگی را معرفی می نماید.

واژگان کلیدی: بافت، بافت قدیمی، منطقه مرکزی، بافت فرهنگی و تاریخی، همدان



مقدمه

توسعه شهری مستلزم داشتن ساختاری اندام‌واره است. یعنی هر جزء دقیقاً باید کار خود را در هماهنگی و تناسب با اجزاء دیگر انجام دهد؛ اگر غیر از این باشد، معلولیت آن جزء یا همه ساختار مشخص می‌شود و آن معلولیت ممکن است به مرگ آن خط‌مشی توسعه به‌طور کلی و حتی زوال یک ایدئولوژی، قوم، ملت و کشور منجر گردد (پاپلی‌یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۱-۲). در واقع مرکز شهر در طرح‌های شهرسازی و نظریه‌های ساخت شهر جایگاه مهمی دارد و در بیشتر موارد شهرسازان ساختار کلی یک طرح شهری را در ارتباط بین مرکز و سایر بخش‌های شهر جستجو کرده‌اند. مرکز شهر چه در شکل‌گیری و رشد ارگانیک شهر و چه در رشد برنامه‌ریزی شده و از پیش تعیین شده نقش بارزی را در ساختار فضایی شهر و شکل‌دهی به فرم شهر ایفا کرده است. در ساختارکان یک شهر، شکل‌گیری شهر از یک هسته و مرکز اولیه شروع می‌شود و در طول زمان در جهاتی که امکان گسترش آن را فراهم می‌آورند، رشد می‌کند. هسته و مرکز اولیه شهر بنا به مقتضیات زمان مهم‌ترین کارکردها و فعالیت‌های شهری را در خود جای می‌دهد و در صورت داشتن شرایط مناسب به مرکز اصلی شهر و کانون فعالیت آن تبدیل می‌شود. (فرج‌کرده، ۱۳۹۸) هسته و مرکز تاریخی هر شهر، کانون اولیه، قلب تپنده و موتور توسعه شهر است که بخش اصلی هویت و شخصیت آن را تشکیل می‌دهد. حیات و مرگ شهرها را با توجه به ویژگی‌های مرکز آن می‌توان تشخیص داد. بنابراین احیای این مراکز، به گونه‌ای که بتواند علائم حیاتی را به آن بازگرداند، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. مراکز تاریخی شهر، در بدن شهر حکم قلبی را دارد که شادابی آن باعث نشاط شهر و افسردگی آن، انحطاط شهر را رقم می‌زند مرکز تاریخی شهر همان هسته اولیه شهر است که شناسنامه پیدایش و رشد و دگرگونی شهر را تا به امروز رقم زده و نشان‌دهنده روال و شیوه زندگی ساکنان اولیه شهر می‌باشد در این تحقیق محقق قصد داشته است با توجه به تمرکز و اهمیت مولفه‌های فرهنگی و تاریخی در شهر همدان به عنوان یک شهر قدیمی در ایران منطقه مرکزی و محدوده آنرا برای مدیریت شهر معین نماید. در جغرافیای اجتماعی شهرها توپوگرافی اجتماعی مبنای سنجش جدایی‌گزینی اقشار مختلف ساکن شهرها از یکدیگر می‌باشد که ممکن است به دلایل قومی، نژادی، دینی و مذهبی و یا به علل دیگر جدای از یکدیگر باشند (رهنما و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۶). نحوه شکل‌گیری و مکان‌یابی عناصر و بخش‌های مختلف شهر و رابطه آنها با یکدیگر که تحت تاثیر عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، اداری، نظامی و همچنین خصوصیات و نیازهای فضایی و رابطه آنها با سایر فعالیت‌ها قرار داشته است را ساخت شهر می‌گویند (سلطانزاده، ۱۳۹۲: ۱۶۵). ساخت‌گرایان بر این باور بودند که همراه با عملکرد، باید ساخت‌فضاها را نیز در نظر گرفت. از دیدگاه آنان اصل ارتباط یکی از اصول مهمی است که به فضاها ساخت می‌بخشد. با ساخت دادن به فضاها شهر، می‌توان به شکل‌دهی فعالیت‌های ارتباطی و جریان‌هایی که در درون فضاها روی می‌دهد، اقدام کرد. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که ساخت‌گرایی در تمام مقیاس‌های شهری، موقعیت و سازمان فضایی، ساخت و سازها، ارتباط و دیگر اجزای شکل شهر را مدنظر قرار می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۲: ۹۸). مرکز تاریخی شهر، مکانی برای بروز و حضور حیات مدنی که در عرصه‌های مختلف تاریخ شکل گرفته می‌باشد و همین ویژگی موجب نقش مرکزی آن شده است. حیات و مرگ شهرها را با توجه به ویژگی‌های مرکز آن می‌توان تشخیص داد. بنابراین حفظ و احیای این مراکز، به گونه‌ای که بتواند علائم حیاتی را به آن بازگرداند، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است (امیری، حسینیان آهنگری، ۱۳۹۵: ۵). در نظام مدیریت شهری ایران بافت تاریخی، آن بخش از بافت‌های شهری را شامل می‌شود که قبل از سال ۱۳۰۰ ه.ش شکل گرفته است، لیکن به دلیل فرسودگی کالبدی و نداشتن استانداردهای

ایمنی، استحکامات، خدمات و زیر ساخت های شهری با وجود برخورداری از ارزش های هویتی، منزلت مکانی و سکونتی پایینی دارند. مجموعه ای به هم پیوسته و از اجزا و عناصر شهری شامل واحدهای مسکونی اعم از فرسوده مرمتی و تخریبی، آثار با ارزش تاریخی، بازارها، تاسیسات، شبکه معابر، شیوه معماری و کالبد ویژه ای است که محصول رشد تدریجی و ارگانیک شهر در ادوار تاریخی مبتنی بر تکنولوژی حمل و نقل ما قبل صنعتی بوده و دارای ساخت فضایی متمایزی از لحاظ کارکرد و سیما نسبت به بخش های جدید شهری است محلات تاریخی در گذشته دارای حدود مشخصی بوده اما این حدود با موانع کالبدی و حصارهای امروزی مشخص نمی شده است؛ بلکه عوامل مختلف طبیعی و یا گذرها، کوی ها نشانه های محلی آن را نشان می داده است (خالقیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۹). براین اساس با توجه به ماهیت پیچیده بخش مرکزی در شهرهای مختلف، داشتن نگرشی واحد برای همه شهرها نمی تواند مؤثر واقع شو د. بعلاوه علی رغم اهمیت بیشتر بعضی از عوامل در تبیین بخش مرکزی، برای بررسی این بخش از شهر باید مجموعه عوامل را در نظر گرفت و ضمن بررسی نقش هر کدام از آنها باید با تلفیق نقش مجموعه عوامل، به تبیین بخش مرکزی اقدام کرد (کاظمیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲۴). بنابراین توجه به ساختارهای حرکت و دسترسی اندام وار، فضاهای شهری سرزنده با عملکردهای متنوع به عنوان بخشی از ساختارهای شکل دهنده به بافت های تاریخی مورد تاکید است (Vehbi & Hoskara, 2009). یکی از مهمترین موضوعات در شهرهای تاریخی در ایران تعیین دقیق و مناسب منطقه مرکزی شهر برای مدیریت شهرداری ها در حفظ و صیانت از هویت تاریخی و فرهنگی شهر در کنار کسب در آمد از ان به عنوان هسته اصلی شکل دهنده شهر می باشد. اکنون تعیین مرزهای بخش مرکزی مدیریت شهری را دچار تعارض کرده و احیاء آن در باور بسیاری از اندیشمندان حوزه برنامه ریزی شهری و انطباق آن با بافت تاریخی یک ضرورت الزام آور شده است در حال حاضر به ویژه در ایران تعیین محدوده بخش مرکزی با ابهام و به صورت غیرعلمی صورت می گیرد (بدرگرو همکاران، ۱۳۸۳: ۹۴). لذا در این پژوهش محقق سعی دارد در شهر همدان که از آن به عنوان یک شهر تاریخی و فرهنگی در کشور از آن یاد می شود و آن را پایتخت تاریخ و تمدن ایران نام می برند با تغییرات فراوانی که در تحولات رشد شهرنشینی در شهر و حوزه کالبدی آن صورت گرفته است، با مولفه فرهنگی و تاریخی شهر را چگونه می توان مناطقی را به عنوان محدوده منطقه مرکزی شهر تعیین کرد و از میان این گزینه ها، مناسب ترین حدود از منطقه مرکزی شهر در بافت قدیم در چه محدوده ای تعیین خواهد شد. لذا به پاسخ سوال های ذیل در این پژوهش پاسخ پرداخته خواهد شد.

- شاخص های مناسب در تعیین محدوده منطقه مرکزی از دیدگاه کارشناسان و متخصصان کدام است؟
- الگوهای مناسب محدوده منطقه مرکزی با توجه به شاخص های استخراج شده در بافت قدیم شهر کدامند؟
- نتیجه مقایسه دو به دویی هر یک از عوامل مؤثر در تعیین محدوده منطقه مرکزی با توجه به عملکرد و توزیع کاربری های فرهنگی و تاریخی در بافت قدیم شهر چگونه ارزیابی می گردد؟
- الگوی مناسب و برتر از میان الگوهای معرفی شده با توجه به عملکرد کاربریهای فرهنگی و تاریخی کدام است و چه ویژگی منطقه دارد؟



پیشینه تحقیق

باقری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار در معاصر سازی بافت تاریخی و فرهنگی کلانشهر تبریز با تأکید بر حفظ هویت به این نتیجه می‌رسند بهبود وضعیت دسترسی در بافت، مهمترین نقطه قوت معاصر سازی بافت تاریخی، از بین رفتن بافت های تاریخی مهمترین ضعف، تامین زیرساخت های خدماتی جهت زیست پذیری بافت مهمترین فرصت و نهایتا تأثیرات ناشی از طولانی شدن پروسه ساخت مهمترین تهدید به شمار می آید.

ملکی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان ارزیابی و سطح بندی مناطق شهری از لحاظ توسعه یافتگی فرهنگی با تلفیق عملگر فازی برای رسیدن به توسعه متعادل در مناطق شهری ارومیه، به بررسی چگونگی یا نحوه برخورداری مناطق چهارگانه شهر ارومیه از لحاظ شاخص فرهنگی، به منظور دستیابی به میزان نابرابری های ناحیه ای می باشد در این بررسی مناطق ۱ و ۲ به ترتیب با میانگین (۲۱/۴۶) و (۲۲/۷۴). به عنوان مناطق محروم از لحاظ توسعه فرهنگی شناخته می شوند.

رهنما و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای رویکرد استراتژی توسعه شهری در احیای بافت فرسوده، پنج مولفه متمایز اقتصادی، علمی، اجتماعی، مدیریتی و حقوقی در تحقق بخشیدن به سرنوشت بافتها و مراکز شهری مورد مداخله موثر و مهم می باشند و بر مبنای ارتباطات و پیوندهای معینی خلاصه می گردند. هرگاه برنامه ها و اقدامات نو و جدیدی بخواهند بر این سرنوشت دخالت کنند بایستی تمامی ضوابط و معیارهای پیوستگی و ارتباط میان این مولفه ها را در نظر داشته باشند در غیر این صورت شاهد نابودی ارزش ها و ویرانی بافتها خواهیم بود.

عظیم زاده ایرانی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر پارادوکس الزامات پدافند غیرعامل با اصول توسعه پایدار شهری در بهسازی بافت های تاریخی شهری (مورد مطالعه: بافت تاریخی منطقه ۱۲ تهران) " بهسازی را به عنوان یکی از روش های مداخله در بافت تاریخی شهرها می داند.

موسوی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان سنجش میزان پایداری محله های شهری با استفاده از تکنیک پهنه بندی موریس نمونه موردی شهر ملایر، به ارزیابی و تعیین سطوح پایداری محله های ۲۳ گانه شهر ملایر به لحاظ برخورداری از شاخص های توسعه، که پیش زمینه ای برای پایداری کل شهر است پرداخته است.

گریت سوینس (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان یکپارچگی بافت های تاریخی و توسعه یک شهر جدید، انجام دادند. نتایج در این تحقیق نشان می دهد که در هنگام مداخله در بخش های قدیمی شهر بایستی میراث فرهنگی و بخش های تاریخی منطقه حفظ شوند. این عوامل به عنوان پتانسیلی برای توسعه مناطق شهری بایستی در نظر گرفت (Grete Swensen, 2012: 380).

کاظمیان و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان عوامل و متغیرهای مؤثر بر تبیین بخش مرکزی شهرهای میانی (مورد مطالعه: شهر بوکان) با تحلیل فضای شهری بوکان به عنوان یکی از شهرهای میانی ایران، نقش هر کدام از عوامل اجتماعی، اقتصادی، اداری، ترافیکی و... بخش مرکزی آن را بررسی کرده است و در این بین تنوع کارکردی و فعالیتی را مهمترین وجه تمایز بخش مرکزی شهر بوکان از سایر قسمت های آن قلمداد نموده است.

مبانی نظری

شکل شهر تبلور فضایی و شکلی حیات مدنی، اجتماعی شهر و فعالیت های جوامع شهری در مکان و زمان بوده که در ترکیبی از ذهنیت و عینیت ماهیتی ترکیبی و فرا دویبعدی یافته است و حاصل تعامل نیروهای بسیاری است. کوچک ترین اجزای این ترکیب در چهارچوب عناصر ساخته دست آدمی ساختمان ها، توده و احجام، فضاهای شهری، فضاهای باز، شبکه راه ها، میادین و تاسیسات شهری در کلیتی در هم تنیده است که محیط طبیعی با عناصر عمده ای چون بستر طبیعی، زمین و ناهمواری های آن، جریان های آب و پوشش گیاهی در چگونگی ترکیب عناصر در شکل شهر نقش و تاثیر قاطع دارند (نیک پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴). بافت قدیم شهر ترکیبی از کالبد، فعالیت، سنت و علم و هنر در بخشی از فضای شهری است که در بردارنده گروه های انسانی با پایگاه های مختلف اجتماعی-اقتصادی، نقش های درهم و برهم یعنی قدمت زمانی و سیمای سنتی است. لذا نیازمند شناخت، تلقی دقیق و آگاهی از تصویر ذهنی شهروندان و کارشناسان امور شهری از مولفه های دخیل در حیات و سرزنده بودن این گونه بافتها می باشد (حبیبی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۱). این شرایط تهدید بزرگی برای این بخش از شهر است کی می تواند جاذبه های فرهنگی و تاریخی شهر رادچار چالش های بزرگی بوجود می آورد و جذابیت محیط را از بین خواهد برد (LUDA Project, 2005).

امروزه عوامل نیرومندی نظیر ارزش اقتصادی زمین بویژه در مناطق مرکزی شهر و در مواردی متروکه شدن بناها و نیازهای توسعه یافته شهری، بازسازی و استفاده از بافت های قدیمی شهر را طلب می کند بافت های سنتی، اکثرا به صورت محیط های نامناسب و گاه ناهنجار در مرکز شهرها خودنمایی می کنند. دگردیسی پنجاه ساله، محیط های زیبا و خانه های پررونق را به ویرانه هایی تبدیل نموده است بافت هایی که همه دارای الگوهای شهری مناسب برای فرهنگ و اقلیم منطقه بوده اند اکنون یک محیط نامطلوب شهری محسوب می گردند. هرچند که رگ حیاتی در اکثر این مناطق جریان دارد ولی هر روز خانه های بیشتری متروکه و مخروبه می شوند و یا به عملکردهای نامناسب اختصاص می یابند (قربانی و جام کسری، ۱۳۹۸: ۶۳).

مرکز و بافت تاریخی شهر

عبارت بافت تاریخی امروزه به وفور مورد استفاده قرار می گیرد و در ذهن هر شنونده ای تداعی کننده ی تصویری خاص است هرچند این تصاویر متعدد نهایت در نگاهی عامیانه در نسبت به شهری همچون یزد متشکل از تعدادی بناهای خشتی با طاق و قوس و بادگیر و نماهای گاه گلی بوده و اشتراکاتی از این قبیل را می پذیرند اما اگر بخواهیم تعریفی از بافت تاریخی شهرها را ارائه نمائیم باید این واژه را واژه ای نسبتا نو و متعلق به ادبیات معماری و شهر سازی معاصر بدانیم که اجمالاً به بافت های ما قبل دوران معاصر اطلاق میگردد. مرکز تاریخی شهر، مکانی برای بروز و حضور حیات مدنی که در عرصه های مختلف تاریخ شکل گرفته می باشد و همین ویژگی موجب نقش مرکزیت آن شده است (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۵: صفحه ۲۵). بافت تاریخی، آن بخش از بافت های شهری را شامل می شود که قبل از سال ۱۳۰۰ ه.ش شکل گرفته لیکن به دلیل فرسودگی کالبدی و نداشتن استاندارد های ایمنی، استحکامات، خدمات و زیر ساخت های شهری با وجود برخورداری از ارزش های هویتی، منزلت مکانی و سکونتی پایینی دارند. عناصر تعیین کننده شالوده شهر و محلات قدیم را می توان در مسجد جامع محله مسکونی و بازار مشاهده نمود (فلامکی و اهو قلندری، ۱۳۹۵: ۱۶۸-۱۶۰). همچنین بر اساس بافت های تاریخی ایران، در تعیین ویژگی کلی آن ها می توان موادی همچون امنیت،

محرومیت، توجه به اقلیم، مصالح ساختمانی بومی، ساختار ارکانیک معابر، کالبد فرهنگی و ساکنان فرهنگ گرا، درون گرایی بودن، ارزش میراث فرهنگی، مقیاس و هویت اشاره کرد (Ahmadi, 2006: 15; hakim: 10).

مولفه های فرهنگی در شهر

مولفه های فرهنگی در این تحقیق همان عملکرد کاربری های فرهنگی در فضاهای متنوع شهری است که دارای عملکرد اجتماعی در فضاهای مراودات محلی و رویدادها صورت می گیرد که در محل تعاملات مردم، رویدادها را از گذشته تا حال به تصویر می کشد، اینگونه مولفه ها بیش از هر چیز دیگر دارای جنبه های هویتی و ارزشی از گذشته های دور است که می تواند در بافت قدیم و هسته مرکزی شهر متجلی گردد و روند تغییرات با تحولات در شکل و فرم شهر که همراه با رشد و توسعه کالبدی است این مولفه ها را در ذات خود مستتر می نماید که بخشی ارزش میراث فرهنگی و بخش دیگر تغییرات وجوه فرهنگی خواهد بود توجه به تنوع فعالیت های فرهنگی و نیاز جوامع به برخورداری از فضاهای فرهنگی جهت ارتقاء سطح دانش و فرهنگ، توسعه مراودات اجتماعی، گذران اوقات فراغت و هویت بخش اجتماعی در مقیاس های مختلف سلسله مراتب شهری از اهمیت فوق العاده خاصی برخوردار است، به طوری که مراکز فرهنگی وجوه عاطفی، معنوی و زیبایی شناسانه روح شهر را متجلی می سازد، هویت دینی و ملی شهروندان را ارتقایی دهند و باعث شکوفایی استعدادها و خلاقیت های ایشان می شوند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۸-۱۷۶)

بافت های تاریخی به عنوان منابع فرهنگی

بافت های تاریخی شهر ها تجسم عینی تمدن و فرهنگ هر جامعه و از بستر های مناسب برای دستیابی به شاخص های مختص خود در فرایند گفت و گو و تعامل بین تمدن ها و فرهنگ هاست. این بافت سند عینی و ماندگاری هستند که به صورت امانتی ارزشمند از هنر و فرهنگ گذشتگان برای استفاده آیندگان از نسلی به نسل دیگر منتقل شده اند. بافت های تاریخی با رشد و گسترش شهر ها در معرض نابودی قرار گرفته اند و نوگرایی افراطی در معماری و شهرسازی باعث انهدام و تخریب محله های قدیمی شهر شده است. جایگزینی ساختمان های جدید به جای ساختمان ها و بنا های تاریخی شکاف بین هویت جمعی حاضر و ارزش های تاریخی را عمیق تر کرده است. مدیریت بافت های تاریخی مقوله ای جدا از میراث فرهنگی نیست، از این رو در بافت های تاریخی به عناصر مادی با وجه مادی فرهنگ یعنی آثار مادی و عینی فرهنگ توجه می شود. از این رو عناصر میراث فرهنگی از جمله بافت های تاریخی ارزشمند به عنوان منابع فرهنگی هر جامعه تلقی می گردند. بنابراین مدیریت حفظ و احیای بافت های تاریخی شهر ها، مدیریت بخشی از منابع فرهنگی با هدف تعمیق روابط معنوی و ذهنی و نیز هویت بخشی به زندگی شهری است. شاغلین و ساکنین در محله ها و بافت های تاریخی نقش ویژه ای در مدیریت حفظ و احیا دارا هستند، از این رو بافت های تاریخی را نمی توان بدون توجه به ساکنین آن اداره نمود. یک بافت از حیث ماهیتی که در چار چوب فرهنگی آن جامعه قرار دارد دارای ارزش خواهد شد، از این لحاظ باید به مردم و ساکنین کمک نمود تا درک فرهنگی جدید و عمیقی از گذشتگان به دست آورند، تا بتوان با افزایش مشارکت شهروندان در حفظ میراث فرهنگی موفق بود. لذا موضوع حفظ و احیا آثار و بافت های تاریخی در شهر ها باید به گونه ای مطرح شود که خود به عنوان یک ارزش اجتماعی در نزد همگان و عموم پذیرفته شود (طاهر خوانی و متوسلی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

مفهوم مرکز شهر و ناحیه مرکزی شهر

مرکز شهر اصطلاحی است که معمولاً به مرکز تجاری یا جغرافیایی یا ناحیه هسته‌ای یک شهر برمیگردد. مراکز شهر به طور سنتی با خرید و یا خرده‌فروشی همراه است. آنها همچنین مرکز ارتباطات با مراکز عمده حمل و نقل عمومی مانند ایستگاه‌های قطار یا اتوبوس می‌باشد. ساختمانهای عمومی از جمله سالن‌ها، موزه‌ها و کتابخانه‌ها اغلب در مراکز شهر یافت می‌شود. به ناحیه مرکزی شهر، ناحیه کسب و کار مرکزی گفته می‌شود. ناحیه مرکزی معمولاً قلب شهر را تشکیل می‌دهد. نخستین هسته اغلب شهرها و بازار اصلی شهر بتدریج تبدیل به مرکز تجاری و کسب و کار مرکزی می‌گردد. در این ناحیه، است که فعالیت‌های تجاری و اجتماعی تمرکز می‌یابند و خطوط حمل و نقل از هر جانب شهر به آنجا منتهی می‌شوند. در مرکز شهر، بازارها، فروشگاه‌ها، دفترهای کار، باشگاه‌ها، بانک‌ها، هتل‌ها، تماشاخانه‌ها، موزه‌ها و دفترهای اصلی قرار می‌گیرند و تأسیسات عمده فروش، این ناحیه را احاطه می‌کنند (تلخایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۴).

مفهوم منطقه بندی

تقسیم یک شهر را به مناطق ویژه و با مرزهای معین برای نقش‌پذیری هر یک از این مناطق «منطقه بندی شهری» گویند. منطقه بندی استفاده منطقی و نظام‌پذیر از زمین‌های شهری در آینده‌ی بلندمدت است و در آن موقع میزان ارتفاع‌یابی، شکل، میزان بهره‌گیری و ساخت‌های داخلی هر یک از مناطق موردنظر است (حسین آسایش، ۱۳۹۳: ۹۹).

جایگاه قانونی و شهرسازی مناطق، نواحی و محلات شهری

در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، شهر به‌عنوان محلی مطرح می‌شود که دارای حدود قانونی است و ساکنان آن به اموری همچون کسب و پیشه و تجارت و صنعت، کشاورزی و فعالیت‌های اداری اشتغال دارند و از مجموعه محله‌ها و مناطق تشکیل می‌گردد (همان) بر اساس تبصره (۲) ماده (۴) قانون مذکور "مجموعه ساختمان‌های مسکونی و خدماتی که از لحاظ بافت اجتماعی؛ ساکنانش خود را اهل آن محل می‌دانند و دارای محدوده معین است محله نامیده شده است". همچنین بر اساس تبصره (۳) ماده قانونی موصوف منطقه در شهرهای بزرگ از به هم پیوستن چند محله تشکیل می‌شود. پس از تصویب محدوده شهر به وسیله مراجع قانونی، اولین اقدام شهرداری باید تهیه سازمان اداری شهرداری باشد که بتواند وظایف قانونی شهرداری را در محدوده مذکور با در اختیار گرفتن نیروی انسانی موردنیاز، انجام دهد. مطابق ماده ۵۴ قانون شهرداری، سازمان اداری شهرداری به نسبت بودجه و درآمد و حجم کار شهرداری تعیین می‌گردد. انجام این امر خصوصاً در ارائه خدمات از سوی شهرداری، در قالب محدوده‌ی محله‌ها و مناطق شهری صورت می‌گیرد. بنابراین یکی از موارد ضروری در امر سازمان‌دهی، مشخص شدن تعداد محله‌ها و مناطق شهری برحسب میزان جمعیت و بلوک‌های جمعیتی واقع در داخل محدوده‌ی شهرهاست. این عمل از طریق انتقال خط محدوده قانونی شهرها بر روی نقشه‌های آماری مرکز آمار ایران، که در آن تعداد حوزه‌های جمعیتی و بلوک‌های ساختمانی واقع در داخل محدوده قانونی مشخص است، برحسب ضوابط و معیارهای مندرج در دستورالعمل مربوطه تعیین می‌گردد. در زمان حاضر اکثر شهرهای بزرگ کشور (دارای بیش از ۲۲۰ هزار نفر جمعیت) مشمول طرح منطقه بندی شهری شده‌اند و ارائه خدمات شهرداری‌ها به آنها در قالب محدوده محله‌ها، نواحی و مناطق شهری صورت می‌گیرد. ضمناً با توجه به افزایش جمعیت شهرها در صورتی که این افزایش به میزان جمعیت یک منطقه باشد؛ تجدید محله بندی و منطقه بندی شهرها صورت می‌پذیرد. عده‌ای از کارشناسان امور

شهری معتقدند که می‌توان با تقسیم شهر به واحدهای کوچک‌تر، این واحدها را به‌خوبی اداره کرد و برای هر منطقه، متناسب با ویژگی‌های جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی، برنامه‌ریزی ویژه تدارک دید. بنابراین مجموعه این مطالب نمایانگر آن است که مسئولان و برنامه‌ریزان شهرها که در فکر تغییرات بنیادی در شرایط فیزیکی شهرها و فرهنگ منطقه‌ها هستند، لازم است از ارزش‌ها و نیازهای فرهنگی و اجتماعی مردم مناطق آگاهی کافی داشته باشند و در طرح‌های توسعه شهری، بافت و موقعیت خاص محله‌ها را به‌عنوان بستر توسعه مدنظر قرار دهند. به‌طور کلی می‌بایست با رعایت شرایط علمی و فنی از خصیصه‌های محلی تبعیت کنند، به نحوی مردم منطقه‌ها منافع و مزایای طرح را از لحاظ نوسازی و تجدید حیات محله‌ها با حفظ رعایت فرهنگ حاکم به‌خوبی احساس کنند.

سابقه اتخاذ ساز و کارهای مدیریتی خاص برای اداره ی بافت تاریخی شهرها

بافت تاریخی شهرها دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی است که آن را از بافت‌ها و پهنه‌های پیرامونی و بلافاصله و نیز سایر قسمت‌های شهر متمایز می‌کند و برخورد ویژه مدیریتی به این مناطق را نسبت به سایر مناطق شهر ضروری می‌سازد. به علاوه، مطابق تأکیدات قانون برنامه سوم توسعه (ماده ۱۶۶) و قانون برنامه چهارم توسعه (ماده ۱۱۵) دولت ملزم به در پیش گرفتن سازوکارهای مدیریتی خاص برای اداره بافت تاریخی شهرها و اعطای وظایف و مسئولیت‌های بیشتر به نهادهای محلی گردیده است. مدیریت بافت‌های تاریخی نیازمند توجه همزمان به چهار عنصر تشکیلات، منابع (انسانی، مالی، قانونی و اطلاعاتی) طرح و برنامه و آموزش و مشارکت شهروندان است. به‌طور خلاصه مدیریت بافت‌های تاریخی شهری ایران با چالش‌هایی چون خلاء تقسیم وظایف و عدم هماهنگی در ساختار و اداره بافت‌های تاریخی، خلاء طرح‌ها و برنامه ریزی راهبردی حفظ و احیای بافت، ضعف تشکیلات ساختارهای سازمانی و نیروی انسانی کارآمد و عدم توجه و احساس تعلق شهروندان به بافت و اجرای برنامه‌های بازسازی شهری بدون توجه به بافت‌ها و بناها و یادمان‌های باارزش تاریخی مواجه است. ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی در بافت بروز مشکلات مذکور و عدم هماهنگی در نظام مدیریت بافت در حوزه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، و اجرا، باعث گردید که دولت به منظور ساماندهی وضعیت بافت‌های تاریخی، در برنامه سوم توسعه (ماده ۶۶۱) و برنامه چهارم (ماده ۵۱۱)، ملزم به اتخاذ سازوکارهای مدیریتی خاص برای اداره بافت تاریخی شهرها و دادن وظایف و مسئولیت‌های بیشتر به نهادهای محلی گردد. به نظر می‌رسد این ماده و آیین‌نامه اجرایی آن فرصت مغتنمی را فراوی شهرداری‌های قرار می‌دهد تا به ایجاد تشکیلات مدیریتی مستقل و دارای وظایف مشخص بپردازند و نسبت به حفظ و احیا و بهره‌برداری از بافت قدیم و تاریخی شهر حساسیت و توجه بیشتری را مبذول دارند. در عین حال شورای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بافت‌های تاریخی باید در سطح ملی با حضور رئیس سازمان گردشگری و میراث فرهنگی، وزیر مسکن و شهرسازی و وزیر کشور (به نمایندگی شهرداری‌های کشور) تشکیل گردد و نسبت به سیاست‌گذاری کلان حفظ و احیای بافت‌های تاریخی شهرها و همچنین تأمین منابع مالی لازم و پیشنهاد قوانین و مقررات در این حوزه اقدام کند (مافی و قلی زاده سرابی، ۱۳۹۴: ۲۹).

موانع و مشکلات مداخلات شهری در بافت های مرکزی شهرها

بخشهای زیادی از مراکز شهرها و اندام های قدیمی تر آنها که در گذشته مکان های مناسب و فعالی برای زندگی شهروندان و ساکنان خود بوده اند، رو به فرسودگی دارند و انسجام فضایی و تداوم ساختاری بافت از بین رفته و تداوم آن در قسمت های توسعه یافته جدید نیز بی رنگ شده است و در نتیجه پیوند فضایی، کارکردی و سیمایی میان بافت قدیم با بخشهای توسعه یافته شهر، دیگر وجود ندارد. امر مداخله و ایجاد تغییرات در بافتهای آسیب دیده و فرسوده که دیگر نمی توانند کارکرد و بازدهی مورد نظر را داشته باشند، همواره با چالشها و مشکلاتی روبه رو است (رهنما و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳).

روش شناسی تحقیق

تحقیق از نوع کاربردی است یک مطالعه میدانی و مشاهده ای است که در آن محقق با روش مشاهده مستقیم از محدوده مورد مطالعه و مشاهده غیر مستقیم از نقشه و عکس های هوایی به بررسی شرایط مکانی و فضایی و توزیع جاذبه ها و بافت های متعدد موجود در محدوده و گزینه های متعدد می پردازد نکته مهم این است که محقق یک پرسشنامه محقق ساخته برای جمع آوری اطلاعات خواهد داشت که از طریق آن یک مصاحبه استاندارد و بسته از افراد و جامعه مورد نظر بر اساس استانداردها معین شده برای تحقیق از حجم نمونه داشته باشد. تحقیق از نوع کاربردی که با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی و ارزیابی مطالب و مقاصد در نظر گرفته شده که در تحقیق گفته شده خواهیم رسید با توجه به فلسفه و ذات اینگونه پژوهش ها رویه انجام تحقیق چند مرحله ای و گاه می بایست گام به گام با مطالعه رویه های اسنادی با بررسی اسناد، مصاحبه، مشاهده و مستند سازی صورت گیرد در این پژوهش از سه تکنیک گردآوری اطلاعات شامل مطالعه اسناد و مدارک، مشاهده و مستند سازی استفاده شده است. در واقع هر چند تحقیق از نوع کیفی به شمار می رود، اما ناگزیر برای اندازه گیری میزان تاثیر و انتخاب اولویت ها به استدلال منطقی و مطالعه موردی برخی اطلاعات نیز پرداخته است در همین راستا با روش یاد شده، ویژگی ها، معیارها و اولویت ها را شناسایی و با مقایسه دو به دویی در عملیات مدل AHP گزینه ها و برتری هر یک را با استفاده از نظرات نخبگان و اکاوی خواهیم کرد.

روش تجزیه و تحلیل

روش های تصمیم گیری چند معیاره

تصمیم گیری چند معیاره پیش بینی، ارزیابی و مقایسه نتایج راه حل های موجود و انتخاب قطعی یک راه حل در بین پیشنهادات متعدد برای تصمیم گیری نامیده می شود. تصمیم گیری از تصمیم های جزئی در رسیدن به هدف مطلوب، در تصمیم گیری نامیده میشود که می تواند در امور کوچک تا تصمیم های بسیار بزرگ و پراهمیت، نقش گسترده ای در زندگی انسان داشته باشد، بنحویکه در تمامی اقدامات و فعالیت هایی که افراد انجام میدهند، نمایان می شود. تصمیم گیری چند معیاره یکی از تکنیک های تحقیق در عملیات (OR) می باشد و به دو بخش تصمیم گیری چند شاخصه (MADM) و تصمیم گیری چند هدفه (MODM) تقسیم می شود. اغلب مسائلی که در محیط عمل با آنها روبرو می گردیم مسائل چند شاخصه می باشند. در این روش به طور کلی موارد ذیل قابل انجام است.

-رتبه بندی چندین آترناتیو با داشتن چندین شاخص

-انتخاب بهترین آلترناتیو از میان آلترناتیوهای موجود بر اساس معیارها و مشخصه‌های داده شده در این نوع مسائل با یک سری گزینه‌های گسسته رو به رو می‌باشیم و در صدد انتخاب گزینه‌های برتر می‌باشیم

انواع تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه

- مدل سلسله مراتبی AHP

انجام مقایسات زوجی و محاسبه وزن (وزن دهی)

-روش دلفی

روش دلفی بر اساس رویکرد پژوهش جدولی یعنی: نظر یا تز (ایجاد عقیده یا نظر)، پادنظر یا آنتی تز (نظر و عقیده مخالف) و نهایتاً ساخت سنتز (توافق و اجماع جدید) شکل گرفته‌است که در پی فرایند ساخت نظریه تازه‌ای ایجاد می‌شود .

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر همدان در مرکز استان و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۴۸ دقیقه طول جغرافیایی و ۴۸ درجه و ۳۲ دقیقه عرض جغرافیایی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. استقرار شهر روی یک دشت پایکوهی، ویژگی مورفولوژیکی خاصی را به این شهر بخشیده است. بعبارت دیگر جهات توسعه و شبکه‌های شهر عموماً به تبعیت از شیب و با انطباق هر چه بیشتر با محیط صورت پذیرفته است. به‌طور عمومی شیب شهر همدان از جنوب به شمال و به تبعیت از شیب دامنه‌های الوند است. این شهر در پی تشکیل اولین نهادهای اداری-سیاسی در کشور، و به سبب ضرورت وجود سکونت‌گاهی جهت استقرار نهادهای مذکور و کارگزاران آن، توسط دیاکو بنیانگذار شاهنشاهی ماد ساخته شد. از طرفی دیگر با آنکه مشهور است اکباتان یا هگمتانه در محل همدان کنونی بوده‌است اما برخی معتقدند که همدان کنونی، اکباتانی که هرودوت گفته‌است، نیست بلکه شهر همدان همان آمدانه یا آمادی است که نام آن در کتیبه تیگلت پیلسر یکم آمده‌است و تاریخ احداث آن به بیش از (۱۱۰۰ سال پیش از میلاد) برمی‌گردد. (سلطان زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۳)

روند تحولات جمعیتی شهر همدان طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

شهر همدان طبق سرشماری سال ۹۵ دارای ۵۵۴۴۰۶ نفر جمعیت و مساحت محدوده شهری آن ۵۶۲۴ هکتار می‌باشد و دارای چهار منطقه شهرداری می‌باشد. بر اساس آمارهای موجود، جمعیت شهر همدان در دوره ۱۳۳۵-۱۳۹۵ با نرخ رشدی حدود ۳/۰۶ درصد در سال از ۹۹۹۰۹ نفر در سال ۳۵ به ۵۵۴۴۰۶ نفر در سال ۹۵ رسیده است. جمعیت سایر دوره‌ها به ترتیب شامل ۱۲۴۱۶۷ نفر در سال ۴۵، ۱۶۵۷۸۵ نفر در سال ۵۵ و ۲۲۷۴۴۹ نفر در سال ۶۵، ۲۷۶۲۷۴ نفر در سال ۷۵، ۴۰۱۲۸۱ نفر و در سال ۸۵، ۴۷۳۱۴۹ نفر گزارش شده است.

بافت شهر همدان

بافت شهر همدان حلقوی است که این بافت از زمان طرح جامع اول (۱۳۰۷) شکل گرفته است. این بافت حلقوی متشکل از دواير متحدالمرکز است که توسط شش خیابان اصلی منتهی به میدان مرکزی و دواير کمربندی به یکدیگر متصل شده و بافت را به قطعه‌هایی از دایره تقسیم نموده‌اند. در این تقسیم بندی میدان مرکزی شهر در مجاورت مرکز تجاری شهر یعنی بازار واقع شده

است. در پی طرح جامع اول شهر که بدون در نظر گرفتن تقسیمات و روابط داخلی بافت و محلات شکل گرفت، وجود شش خیابان اصلی باعث شده تا در پیوستگی کالبدی بعضی از محلات گسستگی ایجاد گردد. ولی بافت قدیمی شهر همچنان به حیات خویش ادامه داده است. بافت سنتی شهر همدان برآیندی است از به‌کارگیری عملی اعتقادات، وجود نقش توقفگاهی شهر و خصوصیات اقلیمی همدان. این بافت سنتی در بخش مرکزی شهر و در مجاورت تپه‌های تاریخی هگمتانه واقع شده است (رحمانی، ۱۳۹۴: ۱۱۵).



شکل ۱- بافت شهر همدان

مآخذ: سازمان فن آورزی اسلعات شهرداری همدان

هسته شهر همدان یا میدان مرکزی آن که شش خیابان اصلی بدان منتهی می‌گردد و در پی اولین طرح جامع شکل گرفت، اطراف آن را ساختمان‌های به سبک باروک با ۱۲ گنبد فلزی و شبیه میدان حسن آباد تهران در بر گرفته‌اند. بافت شهر در بخش جنوبی به طرف کوه الوند نوسازتر بوده و دارای ساختمان‌هایی مسکونی جدید می‌باشد. شهر همدان در بخش غربی همان‌طور که همیشه باغات آن سرسبز و منطقه خوش آب و هوا و بیلاقی بوده، هنوز هم منطقه‌ای سرسبز محسوب می‌شود. شهر همدان متشکل از حدود سی محله بزرگ و کوچک بوده است، این محلات شکل دایره‌ای داشته و یا بطور خطی سازمان یافته‌اند و هر محله ویژگی خودکفایی با روابط داخلی خود را داشته است. محلات شهر از یکدیگر جدا و محصور بوده‌اند و هر یک به صورت مستقل عمل می‌نموده‌اند. شهر همدان در قدیم نزدیک به سی کوی (محله) داشته که بعضی از آنها بزرگ و برخی کوچک بوده‌اند این محلات به دو صورت طراحی و ساخته شده بود. به حالت «گرد» و حالت «مطول» یا دراز بغیر از این حالت کمتر کوی به صورت دره‌می از این دو حالت دیده است. محلات و کوی‌های بزرگ و کوچکی که هنوز هم در همدان وجود دارد عبارتند از: جولان، ورمزیار، بختیاری‌ها، سرگذر، جاکله، آقاجانی بیک، امامزاده یحیی، کبابیان، درود آباد، پیر گرگی، دوگوران، سرینچال، پل پهلوانها، قاشق تراشها، چشمه قصابان، سه پستان، کلیمی‌ها، آرامنه، سبد بافها، شالبافان، بنه بازار، باباطاهرو غیره.

الگوی مرکزی شهر در همدان

میدان مرکزی شهر همدان کانونی است که عموم فعالیت‌ها و خدمات مورد نیاز شهروندان، مانند بازار، مؤسسات اقتصادی (بانک‌ها)، مراکز خرید، سینما، مراکز اداری و درمانی، دفاتر خصوصی، مراکز مذهبی، و اجتماعی و ایستگاه‌های مبدأ و مقصد حمل و نقل عمومی در آنجا متمرکز شده و مردم برای رفع احتیاجات خود سواره و پیاده به آن مراجعه می‌نمایند. اگر چه این مرکزیت باعث



ایجاد خوانایی و هویت در شهر شده است اما تقریباً کلیه ساکنین محلات مرکزی، فقدان دسترسی مناسب و هرج و مرج بالا را به عنوان مشکل اصلی محلات خود مطرح کرده اند. پس باید سعی شود در کنار بهسازی مرکزکنونی شهر مراکز دیگر را نیز تقویت کرد. بنابراین میدان مرکزی که از کالبد منسجم و قوی برخوردار است، توسط کلیه افراد حتی مسافران قابل شناسایی می باشد و به همین دلیل تنها مبدا و مقصد از میان این عناصر بازار همدان دارای ویژگی های خاصی است که به اختصار به آن خواهیم پرداخت و همین طور محلات باقی مانده از آن دوران که بررسی شدند(همان).

تحلیل یافته‌ها

نحوه انتخاب گزینه های منطقه مرکزی شهر همدان

از آنجاییکه در چند سال گذشته شهر همدان از تعیین دقیق منطقه مرکزی شهر بدلیل معیارهای متفاوت و دیدگاههای متعارض دستگاههای اجرایی و اختلافات بین شهرداری و سازمان میراث فرهنگی بازمانده است مرحله مهم در ایجاد شاخص‌ها، شناسایی متغیرهایی است که متناسب، قوی و بیانگر آن عامل باشند. چون نقاط قوت و ضعف شاخص‌ها بر مبنای کیفیت متغیرهای انتخاب شده تعیین می‌شود، شاخص‌های مورد نظر با استناد به نظر خبرگان و متخصصان استخراج شده است برای تعیین محدوده منطقه مرکزی شهر جامعه آماری پژوهش حاضر ۴۵ نفر از متخصصان و کارشناسان مدیریت شهری، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، شهرسازی، میراث فرهنگی و فعالان حوزه فرهنگی و مذهبی هستند، در این تحقیق جهت برآورد میزان روایی پرسش نامه از نظر خبرگان مسلط به موضوع پژوهش استفاده شده است. محقق تمامی نتایج جلسات مورد نظر در بخش‌های متفرق را حذف و منطبق بر روش دلفی، اشتراکات و اجماع گروه تجمیع در روش دلفی را در قالب معیارهای احصاء کرده است و در نهایت اقدام به آزمون پایایی با مراجعه مجدد به گروه مذکور ده معیار را برای تعیین محدوده مرکزی شهر معرفی نموده است که عبارت‌اند از:

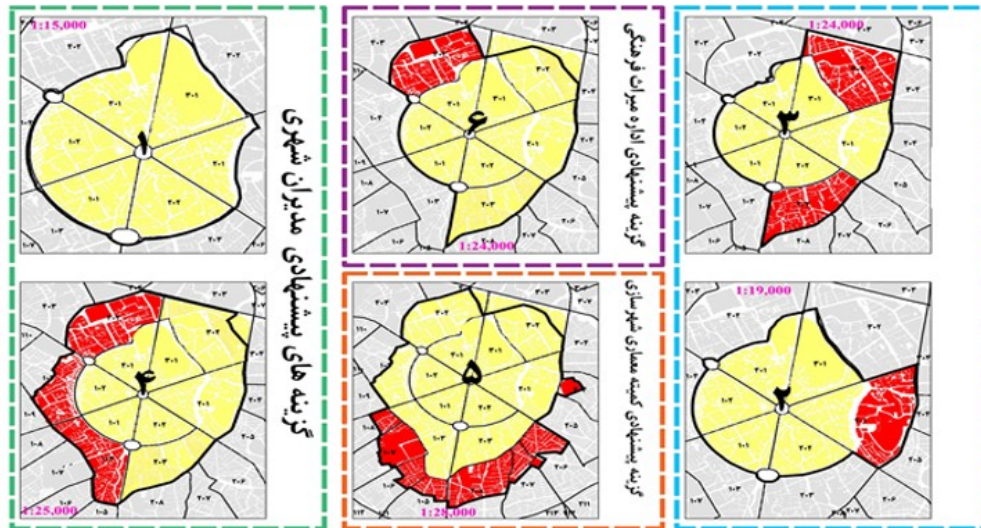
جدول ۱- معیارهای تعیین محدوده شهرداری منطقه مرکزی

معیارها
حفظ انسجام و یکپارچگی اجتماعی محلات عرفی
حفظ انسجام و یکپارچگی محلات موجود (شهرداری)
استعداد درآمدزایی برای شهرداری
تعیین مرز مناطق براساس عوارض و لبه های شهری
قابلیت قرارگاه رفتاری در ارتقاء تعاملات اجتماعی
پیوستگی تصاویر ذهنی نماد ها و نشانه های شهری
تمرکز و پیوستگی جاذبه های مذهبی، بقعه های متبرکه و امام زاده ها
فضاهای عمومی و مکان های مستعد برگزاری رویدادهای فرهنگی و جشنواره ها
توزیع وپراکندگی کاربری های خدمات رسان شهری
سازگاری کاربری ها با عناصر تاریخی و فرهنگی

مأخذ: گروه تجمیع از روش دلفی

بر اساس مولفه ها در جدول ۱، شش گزینه که نقشه (۱) در ادامه آورده شده است جهت تعیین محدوده منطقه مرکزی شهر همدان پیشنهاد و معرفی می گردد که ابتدا به این موضوع و بررسی این مهم خواهیم پرداخت که در گروه تجمیع در دلفی کدامیک از مولفه ها از اهمیت بیشتری برخوردار است و سپس بر اساس تمرکز و جاذبه های مذهبی که در آن رد پای هر سه ادیان مهم دنیا

شامل اسلام (مسجد جامع، امامزاده ها) مسیحیت (کلیسای گریگوری، کلیسای حضرت مریم، کلیسای رفایل) یهودیت (بقعه استرو مرخای) مشخص است محدوده منطقه مرکزی را از بین شش گزینه انتخاب و معرفی نماییم.



شکل ۲- مجموع محدوده های پیشنهادی منطقه مرکزی همدان

مآخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲

برای درک بهتر این موضوع موقعیت مراکز فرهنگی و تاریخی شهر در بافت قدیمی شهر به نمایش گذاشته شده است



نقشه ۱- موقعیت مکان‌های تاریخی - فرهنگی در محدوده‌های پیشنهادی منطقه مرکزی همدان

مآخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳: اقتباس از اطلاعات اداره میراث فرهنگی استان همدان

شناخت ویژگی‌های جمعیتی و مساحت محدوده‌های پیشنهادی منطقه مرکزی

محدوده پیشنهادی شماره یک در منطقه مرکزی شهر همدان

گزینه شماره یک شامل شش محله از محلات وضع موجود شهر همدان می‌شود که به لحاظ مساحتی ۲/۴۲ درصد از مساحت محدوده شهر همدان و از نظر جمعیت نیز براساس آخرین دوره سرشماری (۱۳۹۵) دارای ۱۶۴۰۵ نفر با ۲/۹۹ درصد از جمعیت شهر همدان را دربرگرفته است.

محدوده پیشنهادی شماره دو در منطقه مرکزی شهر همدان

گزینه پیشنهادی شماره دو به لحاظ مساحت سه درصد از مساحت شهر همدان و از نظر جمعیت نیز ۳/۵۶ درصد جمعیت شهر را شامل می‌شود. مرز این گزینه پیشنهادی کاملاً منطبق بر محلات موجود شهر می‌باشد و شش محله را دربرگرفته است سهم مناطق یک و دو، دو محله و مناطق سه و چهار هر کدام یک محله می‌باشد.

محدوده پیشنهادی شماره سه در منطقه مرکزی شهر همدان

گزینه پیشنهادی شماره سه از نظر شکلی نسبت به دو گزینه‌های قبلی نامتقارن تر و براساس آخرین دوره سرشماری (۱۳۹۵) شامل ۲۳۰۹۴ نفر جمعیت می‌شود. از نظر درگیر کردن محلات موجود شهرداری نیز نه محله آن راکه شامل شش محله به طور کامل و بخش‌هایی از محلات ۳۰۲، ۲۰۳ و ۱۰۳ را درگیر کرده است. این محدوده ۳/۶۸ درصد شهر همدان را دربرمی‌گیرد.

محدوده پیشنهادی شماره چهار در منطقه مرکزی شهر همدان

گزینه شماره چهار هم از نظر مساحت و هم از نظر جمعیت نسبت به گزینه‌های قبلی نسب مساحت و جمعیت بیشتری از شهر همدان را دربرمی‌گیرد. این گزینه تقریباً منطبق بر محدوده شهر همدان در سال ۱۳۳۵ می‌شود و یازده محله از محلات شهرداری را درگیر کرده است.

محدوده پیشنهادی شماره پنج در منطقه مرکزی شهر همدان

گزینه شماره پنج، (گزینه پیشنهادی کمیته معماری و شهرسازی شورای اسلامی شهر همدان) دربردارنده ۸/۲۱ درصد از مساحت محدوده شهر همدان که معادل ۶۵۹/۶۶ هکتار می‌باشد. این گزینه براساس آخرین دوره سرشماری (۱۳۹۵) با ۶۷۶۰۵ نفر بیشترین تعداد جمعیت را در بین آلترناتیوهای شش گانه دارد. از نظر درگیر کردن محلات موجود شهر همدان نیز هجده محله را شامل می‌شود.

سازگاری کاربری‌ها با عناصر تاریخی و فرهنگی در تعیین محدوده منطقه مرکزی شهر

از دیدگاه برنامه ریزی، زمین مانند موزاییکی است که باید کنترل شود تا از سازگاری و توازن محیط ساخته شده، اطمینان حاصل شود. کاربری‌هایی که در حوزه یکدیگر قرار می‌گیرند باید از نظر سنخیت و هم‌خوانی فعالیت با یکدیگر منطبق بوده و مزاحم و مانع انجام فعالیت دیگر نگردد. کاربری‌های هم‌جوار از نظر سازگاری ممکن است حالت‌های زیر را با هم داشته باشند.

۱. کاملاً سازگار ۲. سازگار ۳. بی تفاوت ۴. ناسازگار ۵. کاملاً ناسازگار

برای تعیین میزان سازگاری و ناسازگاری بین کاربری‌ها در معیار سازگاری کاربری‌ها با عناصر تاریخی و فرهنگی، محقق مشخصات و نیازهای مختلفی که هر یک از کاربری‌های تاریخی و فرهنگی برای انجام دادن فعالیت عادی خود دارند را شناسایی و سپس با مقایسه این مشخصات موارد سازگار و ناسازگار را مشخص کرده است. جدول شماره (۲). زمینه‌های قابل بررسی در این مورد عبارتند از: اندازه و ابعاد زمین، شیب زمین، شبکه ارتباطی، تأسیسات و تجهیزات، کاربری‌های وابسته، کیفیت هوا، کیفیت صدا، میزان نور، بو، دید و منظره.

جدول ۲- درجه سازگاری کاربری‌های مختلف با کاربری‌های تاریخی و فرهنگی

کاربری‌ها	صنعتی	فضای سبز	اقامتی	تأسیسات شهری	اداری	فرهنگی - مذهبی	آموزشی	تجاری	مسکونی
درجه سازگاری کاربری‌ها	۵	۱	۱	۵	۴	۱	۳	۵	۲
	کاملاً ناسازگار	کاملاً سازگار	کاملاً سازگار	کاملاً ناسازگار	ناسازگار	کاملاً سازگار	بی تفاوت	کاملاً ناسازگار	سازگار

مآخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۲

در گام بعدی با مشخص شدن وضعیت سازگاری و عدم سازگاری کاربری‌ها با عناصر تاریخی و فرهنگی، میزان سازگاری کاربری‌های موجود در محدوده گزینه‌های پیشنهادی مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج آن بطور مبسوط و به تفکیک براساس تعداد و مساحت استخراج گردید. جداول ذیل وضعیت سازگاری کاربری‌ها را در هر یک از گزینه‌های پیشنهادی با عناصر تاریخی و فرهنگی نمایش می‌دهد.

جدول ۳- وضعیت سازگاری کاربری‌های گزینه‌های پیشنهادی با کاربری‌های با عملکرد تاریخی

گزینه یک	وضعیت سازگاری کاربری‌ها	تعداد	مساحت (متر مربع)	درصد
گزینه یک	کاملاً سازگار	۹۶	۲۸۶۲۹۷	۲۱/۹۰
	سازگار	۳۰۴۴	۶۵۵۷۱۶	۵۰/۱۷
	بی تفاوت	۴۱	۵۱۳۳۶	۳/۹۳
	ناسازگار	۴۶	۲۷۷۳۴	۲/۱۲
	کاملاً ناسازگار	۱۸۹۸	۲۸۵۹۵۸	۲۱/۸۸
	مجموع	۵۱۲۵	۱۳۰۷۰۴۱	۱۰۰/۰۰
گزینه دو	وضعیت سازگاری کاربری‌ها	تعداد	مساحت (متر مربع)	درصد
گزینه دو	کاملاً سازگار	۱۰۶	۴۳۱۴۴۸	۲۶/۷۳
	سازگار	۳۵۵۳	۷۴۹۷۹۲	۴۶/۴۴
	بی تفاوت	۴۵	۷۳۶۹۱	۴/۵۶
	ناسازگار	۶۲	۴۳۱۱۰	۲/۶۷
	کاملاً ناسازگار	۲۰۰۳	۳۱۶۳۳۴	۱۹/۵۹



۱۰۰/۰۰	۱۶۱۴۳۷۶	۵۷۶۹	مجموع	
درصد	مساحت (متر مربع)	تعداد	وضعیت سازگاری کاربری ها	گزینه سه
۱۹/۹۳	۵۰۲۶۵۹	۱۴۳	کاملاً سازگار	
۵۱/۷۵	۱۳۰۵۱۳۱	۵۸۵۸	سازگار	
۷/۳۸	۱۸۶۲۴۹	۷۴	بی تفاوت	
۳/۴۰	۸۵۷۲۴	۷۸	ناسازگار	
۱۷/۵۴	۴۴۲۳۳۳	۲۴۱۵	کاملاً ناسازگار	
۱۰۰/۰۰	۲۵۲۲۰۹۶	۸۵۶۸	مجموع	
درصد	مساحت (متر مربع)	تعداد	وضعیت سازگاری کاربری ها	گزینه چهار
۱۷/۵۲	۶۰۴۲۹۵	۲۰۱	کاملاً سازگار	
۵۶/۹۹	۱۹۶۵۵۸۰	۹۰۴۹	سازگار	
۶/۶۵	۲۲۹۲۱۷	۹۱	بی تفاوت	
۴/۳۱	۱۴۸۵۰۴	۱۱۷	ناسازگار	
۱۴/۵۴	۵۰۱۶۷۰	۲۶۱۸	کاملاً ناسازگار	
۱۰۰/۰۰	۳۴۴۹۲۶۶	۱۲۰۷۶	مجموع	
درصد	مساحت (متر مربع)	تعداد	وضعیت سازگاری کاربری ها	گزینه پنج
۱۶/۴۶	۷۴۶۸۴۵	۲۱۸	کاملاً سازگار	
۵۸/۴۳	۲۶۵۱۱۲۷	۱۱۸۵۵	سازگار	
۸/۷۸	۳۹۸۵۵۲	۱۱۸	بی تفاوت	
۵/۸۳	۲۶۴۴۵۶	۱۴۵	ناسازگار	
۱۰/۴۹	۴۷۶۰۶۲	۲۶۷۸	کاملاً ناسازگار	
۱۰۰/۰۰	۴۵۳۷۰۴۱	۱۵۰۱۴	مجموع	
درصد	مساحت (متر مربع)	تعداد	وضعیت سازگاری کاربری ها	گزینه شش
۲۰/۴۱	۵۷۰۱۶۱	۱۸۲	کاملاً سازگار	
۵۳/۰۶	۱۴۸۲۱۷۲	۶۶۲۹	سازگار	
۷/۴۷	۲۰۸۶۶۴	۸۱	بی تفاوت	
۴/۰۱	۱۱۱۸۹۲	۹۰	ناسازگار	
۱۵/۰۵	۴۲۰۲۸۹	۲۳۹۷	کاملاً ناسازگار	
۱۰۰/۰۰	۲۷۹۳۱۷۸	۹۳۷۹	مجموع	



جدول ۴- وضعیت امتیاز گزینه های پیشنهادی در معیار سازگاری کاربری ها با عناصر تاریخی و فرهنگی

امتیاز		میزان سازگاری (درصد)	گزینه های پیشنهادی
کمی	کیفی		
۳	نامناسب	۷۲/۰۷	گزینه یک
۵	نسبتاً مناسب	۷۳/۱۷	گزینه دو
۳	نامناسب	۷۱/۶۸	گزینه سه
۷	مناسب	۷۴/۵۰	گزینه چهار
۹	کاملاً مناسب	۷۴/۸۹	گزینه پنج
۵	نسبتاً مناسب	۷۳/۴۸	گزینه شش

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۴۰۲

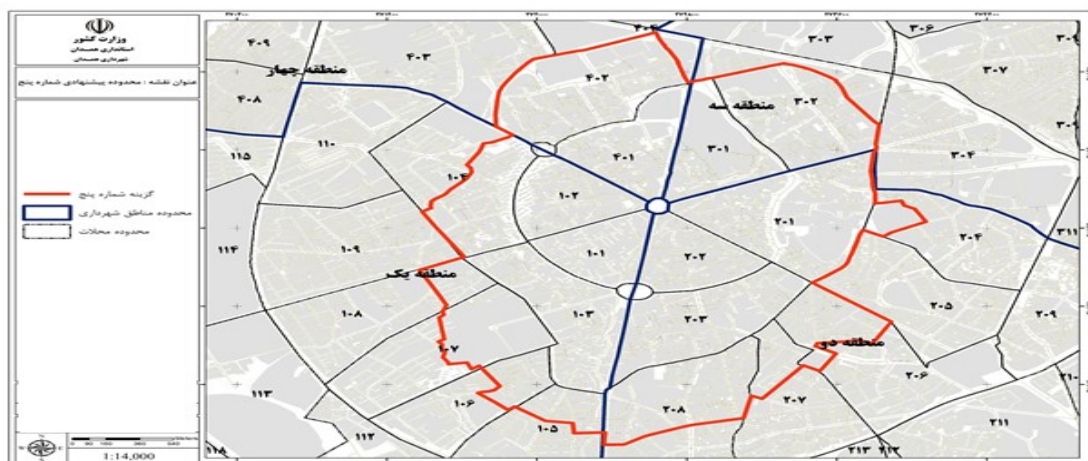
در مرحله نهایی جهت اختصاص دادن امتیاز به گزینه های پیشنهادی میزان سازگاری آلترناتیوهای شش گانه محاسبه و براساس آن وزن دهی ها صورت گرفته که گزینه پنج در این معیار بیشترین امتیاز را کسب کرده است. همانطور که در بالا نیز اشاره شد گزینه شماره پنج ۸/۲۱ درصد از مساحت محدوده شهر همدان که معادل ۶۵۹/۶۶ هکتار می باشد. را به خود اختصاص می دهد این گزینه با ۶۷۶۰۵ نفر بیشترین تعداد جمعیت را در بین آلترناتیوهای شش گانه دارد. از نظر درگیرکردن محلات موجود شهر همدان نیز هجده محله را شامل خواهد شد.

جدول ۵- مشخصات مناطق پنج گانه پیشنهادی شهر همدان براساس گزینه پنج

مناطق	مساحت (متر مربع)	درصد مساحت	مساحت (هکتار)	تعداد جمعیت	درصد جمعیت
منطقه یک	۲۱۰۷۰۵۶۲/۶۲	۲۶/۲۴	۲۱۰۷/۰۶	۹۳۵۸۰	۱۷/۰۴
منطقه دو	۱۱۵۴۶۸۹۹/۹۵	۱۴/۳۸	۱۱۵۴/۶۹	۱۳۴۲۰۵	۲۴/۴۳
منطقه سه	۱۹۴۷۹۲۳۰/۱۲	۲۴/۲۶	۱۹۴۷/۹۲	۱۲۵۸۱۵	۲۲/۹۰
منطقه چهار	۲۱۶۰۸۹۴۱/۳۵	۲۶/۹۱	۲۱۶۰/۸۹	۱۲۸۰۹۵	۲۳/۳۲
منطقه پنج	۶۵۹۶۵۷۴/۹۵	۸/۲۱	۶۵۹/۶۶	۶۷۶۰۵	۱۲/۳۱
مجموع	۸۰۳۰۲۲۰۹/۰۰	۱۰۰/۰۰	۸۰۳۰/۲۲	۵۴۹۳۰۰	۱۰۰/۰۰

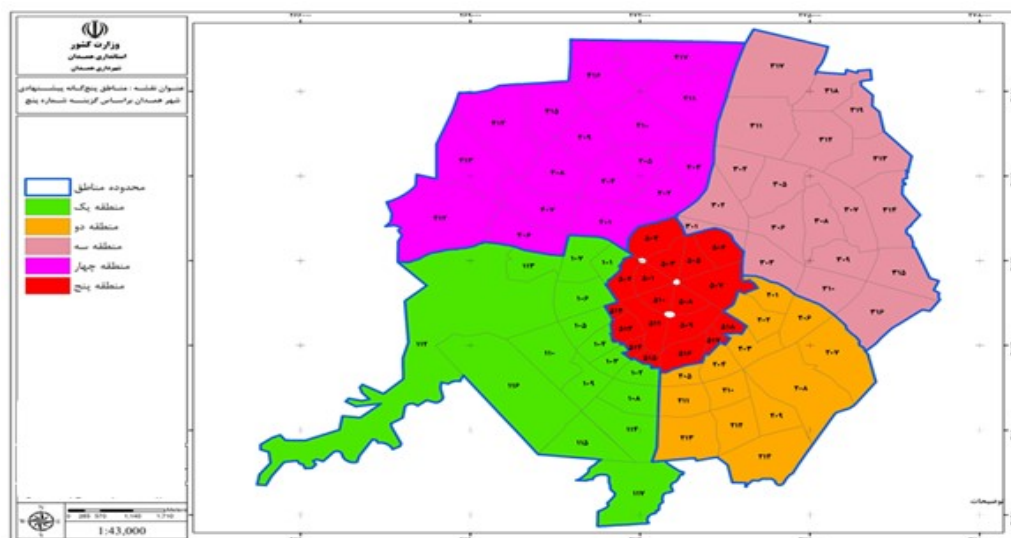
مأخذ: سازمان آمار و فن آوری اطلاعات شهرداری همدان و محاسبات محقق

در جدول ۵، مشخصات مناطق پنج گانه بر اساس گزینه منتخب آورده شده است و شکل و موقعیت استقرار آن در بین دیگر مناطق شهر همدان در حالت انتخاب گزینه پنج به نمایش گذارده شده است.



نقشه ۲- محدوده پیشنهادی شماره پنج

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲



نقشه ۳- مناطق پنج گانه شهر همدان براساس گزینه پیشنهادی شماره پنج

مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲

نتیجه گیری

بررسی صورت گرفته به خوبی نشان می دهد نگرش سازمان های مرتبط به منطقه بندی شهر در حدود منطقه مرکزی با یکدیگر متفاوت بوده است شهرداری و مدیریت اجرایی شهر بیشتر از هر چیز دیگر به درآمدزایی در حدود این منطقه می نگرد و سازمان میراث فرهنگی به صیانت از بناهای تاریخی و فرهنگی و ایجاد یک پهنه حفاظتی در حدود و گستره ای معین و دقیق توجه دارد که در مواردی در تعارض با توسعه شهر و تغییرات مفید و موثر در بافت قدیم قرار می گیرد و از سوی دیگر در این بینش، فعالان حوزه میراث فرهنگی نیز به این موضوع با نگاهی علمی و گاهی متعصبانه تاکید می کنند، اما آنچه در این بخش مورد توجه قرار می گیرد نگاه فرهنگی و انجام رویدادهای مذهبی در برنامه فرهنگی و ایدئولوژیک توسط فعالان حوزه فرهنگی و اعتقادی شهر مانند حوزه علمیه و روحانیون مساجد در محلات قدیمی است که در یک

طرف دیگر ایستاده و در مواردی با توسعه نیز زوایای مکتبی و مذهبی دارند. محقق با نگرش با همه این دیدگاه‌ها تمام الگوها را در سازگاری با عملکرد و نحوه توزیع کاربری فرهنگی مقایسه و بهترین گزینه را معرفی نمود و در این بین نتیجه نشان داد الگوی معرفی شده توانسته است تمام نگرش فرهنگی و اعتقادات مذهبی را در داخل خود حفظ کند و در احیاء بافت واجد ارزش نگرش بسیار موثری را ارائه نماید البته که در این فرایند تدوین یک برنامه مدون در انجام اجرایی فعالیت‌ها در این منطقه یک ضرورت است که باید در یک برنامه‌ای منسجم و دقیق در آینده صورت گیرد. نکته جالب این موضوع مهم است که در بین عوامل بررسی شده در بعد سازگاری کاربری‌های تاریخی و فرهنگی در تعیین محدوده منطقه مرکزی شهر به ترتیب موارد ذیل دارای اهمیت فراوانی هستند که عبارتند از:

- حفظ انسجام و یکپارچگی محلات موجود (شهرداری)
- حفظ انسجام و یکپارچگی اجتماعی محلات عرفی
- فضاهای عمومی و مکان‌های مستعد برگزاری رویدادهای فرهنگی و جشنواره‌ها
- قابلیت قرارگاه رفتاری در ارتقاء تعاملات اجتماعی

پیشنهادها

- احیاء مراکز محله با محوریت مولفه‌های فرهنگی و تاریخی
- افزایش احساس تعلق اجتماعی و فرهنگی با برگزاری مناسبت‌ها با رویکرد فرهنگی و تاریخی
- بهره‌گیری از پیشینه تاریخی فرهنگی به هدف تولید میراث ناملموس در تدوین سناریوی رویدادهای تاریخی
- برگزاری جشنواره‌هایی با نگرش فرهنگی و تاریخی در منطقه مرکزی
- استفاده از ارزش‌های فرهنگی و تاریخی شهر مرتبط با وقایع و رخداد‌های تاریخی آن در مراکز آموزشی محدوده هسته مرکزی شهر
- سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های مناسب در اعیاد و مناسبت‌ها با تاکید فرهنگی و تاریخی
- حفظ حریم آثار و ابنیه تاریخی در حوزه مداخله و بلافصل
- افزایش تعاملات سازمان‌های فرهنگی، تاریخی
- پیوند دادن تسلسلی دوره‌های تاریخی در تعیین مسیر گردشگری فرهنگی و تاریخی
- طراحی المان‌های شهری با نگرش رویدادهای تاریخی و فرهنگی در بستر تاریخ شکل‌گیری شهر
- ایجاد و تاسیس موزه‌های فرهنگی و تاریخی در جوار و یا داخل محوطه‌های فرهنگی و تاریخی منطقه مرکزی شهر
- افزایش نقش احیاء فعالیت‌های تجاری و بازرگانی شهر در منطقه مرکزی از جمله بازار قدیمی و راسته بازارها
- برجسته کردن نقش امامزاده‌ها در برنامه فرهنگی در مناسبت‌های مختلف
- توجه به نقش هسته مرکزی محلات قدیمی شهر و ایجاد ارتباط با دیگر عناصر فرهنگی و تاریخی در منطقه مرکزی شهر.
- توجه به مسجد جامع شهر به عنوان کانون اصلی توسعه فرهنگی و مذهبی شهر



- با توجه به وجود کلیساها و بقاع متبرکه اقلیت‌های مذهبی پیوند دادن فرهنگ و تاریخ این گروه از مردم با تاریخ و فرهنگ شهر در دهرهای مرتبط

منابع و مآخذ:

- ۱) امیری حکمت، حسینیان آهنگری سیده زهرا (۱۳۹۵). بهسازی بافت فرسوده با رویکرد حفظ هویت شهری، دومین کنفرانس شهرسازی، مدیریت و توسعه شهری، ۸ صفحه
- ۲) آسایش حسین (۱۳۹۳). اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه پیام نور، صفحات ۱۸۹
- ۳) باقری، کریم، و درسخوان رسول (۱۴۰۰). تحلیل مولفه های تاثیرگذار در معاصر سازی بافت تاریخی-فرهنگی با تاکید بر حفظ هویت (مطالعه موردی کلانشهر تبریز). فصل نامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۱۱ (۴۲)، ۵۱۵-۵۳۰.
- ۴) برزگر محمدرضا. (۱۳۸۲). شهر سازی و ساخت اصلی شهر، صفحات ۱۸۴
- ۵) بذرگر، محمدرضا، جمالی، ابداهیم، و کریمی صالح، محمدجعفر (۱۳۸۳). مرکز شهر و چگونگی تعیین محدوده آن. جستارهای شهر سازی، شماره ۱۲، ۶۸-۷۲.
- ۶) پاپلی یزدی، محمدحسین، ورجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۲). نظریه های شهر و پیرامون، تهران، انتشارات سمت، ۳۸۸ صفحه.
- ۷) حبیبی، منوچهر، مرصوصی، نفیسه، و علی اکبری، اسماعیل (۱۴۰۲). شناسایی و الویت بندی راهبرد های مناسب جهت ساماندهی بافت فرسوده بخش مرکزی شهر قزوین با رویکرد باز آفرینی شهری. فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۶۶، ۵۹-۷۵.
- ۸) تلخابی، حمیدرضا، سلیمانی، محمد، سعیدنیا، احمد، و زنگنه، احمد (۱۳۹۷). فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۹ (۵۲)، ۲۱-۳۶.
- ۹) موسوی، میرسعید، ماجدی، حمید، و حبیب، فرح (۱۳۹۵). ویژگی های کالبدی-فضایی بافت قدیم شهر در ایران، مجله هویت شهر، ۱۰ (۲۸)، ۱۹-۲۸.
- ۱۰) خالقیان، سیما، و قندهاری، شیما (۱۴۰۱). معیارهای تعیین مرز محلات تاریخی اصفهان (نمونه مطالعاتی: منطقه ۹ شهر اصفهان). فصلنامه پژوهش های مکانی فضایی، ۷ (۲۵)، ۶۹-۸۵.
- ۱۱) رحمانی، محمد (۱۳۹۴). کلان شهر همدان، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی همدان. ۴۹۸ صفحه.
- ۱۲) سیاحی، زهرا، رهنما، محمدرحیم، و اجزاء شکوهی، محمد (۱۳۹۶). رویکرد استراتژی توسعه شهری در احیای بافت فرسوده، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، ۴ (۲۸)، ۲۹۷-۳۱۰.
- ۱۳) ابراهیم زاده، عیسی، رهنما، محمدرحیم، و نگهبان مروی، محمد (۱۳۹۸). تحلیلی بر ضرورت شکل گیری و نقش شهر جدید گلبهار در تمرکز زدایی از مادر شهر مشهد، مجله صفا، ۱۴ (۳۸)، ۵-۲۲.
- ۱۴) سلطانزاده حسین (۱۳۹۲). فضاهای شهری در بافتهای تاریخی ایران، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، ۲۱۶ صفحه.
- ۱۵) سلطانزاده حسین، اسلامی، نازنین، والبرزی، فریبا (۱۴۰۰). تحلیل اندیشه های مدرنیسم بر روند شکل گیری و تغییر خیابان های شهری ایران و ازبکستان. نشریه مطالعات شهر ایران اسلامی، ۱۰ (۳۹)، ۵۵-۶۸.

- ۱۶) طاهرخانی، حبیب الله، ومتوسلی، محمدمهدی (۱۳۸۵). مدیریت بافت تاریخی شهرهای ایران. نشریه مدیریت شهری، شماره ۱۸، ۹۶-۱۰۷.
- ۱۷) عظیم زاده ایرانی، اشرف، پوراحمد، احمد، مدیری، مهدی، وحاتمی نژاد، حسین (۱۳۹۶). تحلیلی بر پارادوکس الزامات پدافند غیرعامل با اصول توسعه پایدار شهری در بهسازی بافت های تاریخی شهری (مورد مطالعه: بافت تاریخی منطقه ۱۲ تهران)، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی، ۲۶ (۱۰۲)، ۳۵-۵۲.
- ۱۸) فرج کرده، خدر (۱۳۸۷). جایگاه مرکز شهر در نظریه‌های ساخت شهر و برنامه‌ریزی شهری. نشریه شهردارپها. ۲۹-۳۴، (۸۹)۹.
- ۱۹) فلامکی، محمد منصور (۱۳۹۴). سیری در تجارب مرمت شهری «از ونیز تا شیراز». انتشارات فضا. چاپ دوم، ۳۸۲ صفحه.
- ۲۰) فلامکی، محمدمنصور، قلندری بهنا، آهو (۱۳۹۵). پژوهش در باززنده سازی محله محله تاریخی شهر کرمان با تاکید بر ارزش های بافت کهن براساس شناخت و تحلیل بافت با شاخص های توسعه پایدار. دومین کنفرانس بین المللی تحقیقات در عمران، معماری و شهرسازی و محیط زیست پایدار.
- ۲۱) قربانی، رسول، وجام کسری، محمد (۱۳۹۸). جنبش پیاده گستری، رویکردی نو در احیا مراکز شهری، نشریه مطالعات و پژوهش های شهری منطقه ای، ۲ (۶)، ۵۵-۷۲.
- ۲۲) کاظمیان، غلامرضا، فرج کرده، خدر، و پرهیزکار، اکبر (۱۳۸۸). عوامل و متغیرهای مؤثر بر تبیین بخش مرکزی شهرهای میانی (مورد مطالعه: شهر بوکان). فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳ (۳)، ۱۹۷-۲۲۷.
- ۲۳) مافی، عزت الله، وقلی زاده سرابی، شهرزاد (۱۳۹۴). رتبه بندی مناطق شهری مشهد براساس شاخص تلفیقی رشد هوشمند شهری. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۲، ۲۹-۴۴.
- ۲۴) محمدی، جمال، وایزدی، ملیحه (۱۳۹۹). رتبه بندی مناطق شهر اصفهان از لحاظ شاخص های فرهنگی بر اساس تصمیم گیری چند شاخصه. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۲ (۴۴)، ۱۷۵-۱۹۸.
- ۲۵) ملکی، سعید، علیشائی، عظیم، وفرهمند، قاسم (۱۴۰۰). ارزیابی و سطح بندی مناطق شهری از لحاظ توسعه یافتگی فرهنگی با تلفیق عملگر فازی GIS و Spss (نمونه موردی: مناطق چهارگانه شهر ارومیه)، نشریه آمایش محیط، شماره ۵۳، ۱-۲۴.
- ۲۶) موسوی، سید داود، نظریان، اصغر، زیاری، یوسفعلی، و مهدوی، مسعود (۱۳۹۳). سنجش میزان پایداری محله های شهری با استفاده از تکنیک پهنه بندی موریس (نمونه ی موردی شهر ملایر). فصل نامه آمایش محیط، شماره، ۲۵، ۸۴-۱۰۹.
- ۲۷) نیکپور، عامر، مرادی، الهه، ویاراحمدی، منصوره (۱۳۹۹). مدل سازی ساختاری تفسیری عوامل مؤثر بر شکوفایی شهری (مطالعه موردی: نورآباد ممسنی). فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، ۱۲ (۴۳)، ۲۶-۷.



- 29) Luda., P. (2005). *Integrating assessment into sustainable urban regeneration*, Key Action for City of Tomorrow & Cultural Heritage, European Union.
- 30) Swensen.,G. (2012). Integration of historic fabric in new urban development—A Norwegian casestudy, *Landscape and Urban Planning*, Contents lists available at SciVerse ScienceDirect,1960-2046
- 31) Vehbi., B.O. & Hoskara., S.Ö. (2009). A Model for Measuring the Sustainability Level of HistoricUrban Quarters. *European Planning Studies*.

